

# معرفی، نقد و بررسی کتاب «حمل قرآن»

جواد آسه<sup>۱</sup>

## مقدمه

پیامبر اعظم (ص) بر تعلیم و تحفیظ قرآن بسیار تأکید می‌ورزیدند. وقتی آیه‌ای بر آن حضرت وحی می‌شد، افزون بر تلاوت آن بر مردم، ایشان را با معنا و تفسیر آن نیز آگاه می‌ساختند. آن گاه مهم را بر تحفیظ و تعلیم آن به دیگران سفارش و ترغیب می‌کردند. از آنجا که آن حضرت نخستین معلم قرآن محسوب می‌گردند، پرسشی مطرح می‌شود که آن حضرت چگونه قرآن را آموزش می‌دادند؟

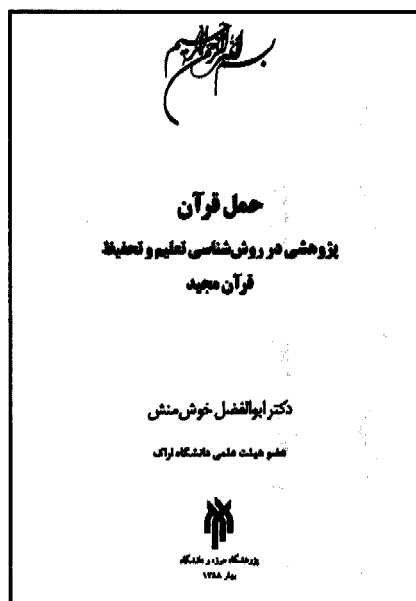
کتاب حمل قرآن<sup>۲</sup> در صدد پاسخگویی به پرسش مزبور و ارزیابی بی‌غرض برخی از شیوه‌های رایج در زمینه آموزش قرآن است. مؤلف ارجمند کتاب در این باره می‌نویسد: «به طور کلی این کتاب تحقیق و تتبع در جهت بازایی اسوه حسنه پیامبر اکرم (ص) در امر بنیادین تعلیم و تحفیظ قرآن کریم و ارزیابی جستجوگرانه و بی‌غرض برخی شیوه‌های رایج در این زمینه‌ها و بررسی آیات و روایات در هر یک از مباحث، همه در حد توان است»<sup>۳</sup>.

وی هدف خود را از تألیف این کتاب چنین بیان می‌کند: «این تحقیق در پی آن است که از قرآن دانی و قرآن خوانی و نیز از فراگیری قرآن و روش‌های تعلیم و تحفیظ و ترویج آن سخن بگوید؛ آن گونه که صاحب قرآن می‌خواست؛ قصدی که اگرچه در اول آسان نمود، ولی مشکل‌های فراوانی در آن و بر سر راه آن افتاد»<sup>۴</sup>.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه و کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن.  
۲. ابوالفضل خوش‌منش، حمل قرآن، پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید؛ قم: چاپ ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.  
ش. این کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته علوم قرآن تهیه شده است (ر.ک به: همان، ص چهار).

۳. همان، ص ۱.

۴. همان، ص ۴.



ابوالفضل خوش‌منش، حمل قرآن، پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید؛ قم: چاپ ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.

مؤلف محترم بر این باور است که باید برای اجرایی شدن احکام قرآن و تحقق کارکردهای آن در جامعه، از روش پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام در تعلیم قرآن استفاده کرد؛ در غیر این صورت قرآن برای بسیاری از مخاطبان، فاقد کشش و جاذبه خواهد شد و بدین سبب تأثیرگذاری قرآن با مانع روبه رو خواهد شد.<sup>۵</sup>

مؤلف بزرگوار درباره وجه نامگذاری کتاب به «حمل قرآن» می نویسد: «ما این اصطلاح را به سبب اصالت و سهولتی که در آن است و به جهت توانی که در حمل بار معنایی دارد، معادل روش صحیح تعلیم و تحفیظ قرآن مجید از دیدگاه قرآن، رسول اکرم (ص)، اهل بیت آن حضرت (ع) و مؤیدات علم بشری برگزیده ایم».<sup>۶</sup>

کتاب دارای چهار فصل است: در فصل اول که به «مروری بر تعلیم و تحفیظ قرآن در گذر زمان» اشاره شده، به موضوع اصلی این پژوهش، یعنی «روش پیامبر (ص) در تعلیم قرآن» پرداخته شده است. در فصل دوم، «آموزه های قرآن کریم و روایات درباره حمل قرآن» مطرح گشته است. در فصل سوم، «آموزش و فراگیری زبان از نگاه دانش بشری» مورد کاوش قرار گرفته است. در فصل چهارم و پایانی نیز به «آثار حمل قرآن» اشاره گشته است. در این کتاب به مباحث اساسی و ارزشمندی اشاره شده است که در صورت توجه و عمل بدان ها، انس بیشتر آحاد مردم را با متن و محتوای قرآن به دنبال خواهد داشت؛ با وجود این، در این کتاب به مطالبی پرداخته شده است که صحیح به نظر نمی رسد که در ادامه به نقد و بررسی آنها می پردازیم:

۱. مؤلف گرامی بر این باور است که احکام قرآن و کارکردهای آن در جامعه، فقط در صورتی ضمانت اجرایی و تحقق پیدا می کند که در تعلیم قرآن، از روش رسول اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام استفاده شود. وی هرگونه تخطی از آن را باعث ایجاد مانع در اثربخشی قرآن و بی جاذبه گشتن قرآن برای مخاطبان می داند.<sup>۷</sup> نقد: اینکه باید از شیوه پیامبر مکرم اسلام (ص) و اهل بیت علیهم السلام در تعلیم و تحفیظ قرآن سود جست، تردیدی نیست، اما اینکه شیوه تعلیم و تحفیظ قرآن را منحصر در شیوه آن حضرت (ص) و حضرات معصومین علیهم السلام دانستن، صحیح نیست؛ زیرا اولاً روش آنان در آموزش قرآن برای فراگیرانی بود که زبان آنان، زبان قرآن (زبان عربی) بود؛ در صورتی که فراگیرانی که ما در صدد آموزش آنان هستیم، اغلب بازبان قرآن آشنایی چندانی ندارند؛ ثانیاً همواره روش های آموزش مهارت ها در حال تغییر و تحول است؛ پس نمی توان در فراگیری قرآن تنها به یک روش بسنده نمود؛ بلکه باید در فکر

ایجاد راهکارهای مترقی و زیاتر در آموزش قرآن بود؛ چنان که در آموزش زبان انگلیسی هر روز شاهد کتاب ها و روش های مختلفی هستیم؛ یعنی با پیشرفت زبان شناسی و فناوری آموزشی، روش های جدیدتری برای آموزش زبان انگلیسی ابداع و ارائه شده است؛ بنابراین در قضیه آموزش قرآن نیز باید روش های نوتر و متناسب با عصری که در آن به سر می بریم، ارائه شود.

۲. مؤلف ارجمند بر این اعتقاد است که قرآنی که اکنون در دست مسلمانان است، همان است که در زمان پیامبر (ص) وجود داشته و نوشته شده است. وی دلیل آن را این می داند که در زمان حیات پیامبر (ص) قرآن نگارش می شد، اما به صورت یک مجلد (دفتین) در نیامده بود و چون احتمال نزول آیات وجود داشت، آن حضرت به حضرت علی (ع) فرمودند آن را به شکل یک مجلد در آورند و آن حضرت (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) در مدت سه روز آن را انجام دادند.<sup>۸</sup> این سخن صحیح نیست؛ زیرا گرچه حضرت علی (ع) قرآن را جمع آوری کردند و به صورت یک مجلد در آورند، اما متأسفانه آن را نپذیرفتند؛ پس نمی توان با این سخن، گفت قرآنی که اکنون وجود دارد، همان قرآنی است که در زمان پیامبر (ص) وجود داشته است و با نظارت آن حضرت نگاشته شد.

باید به این نکته توجه داشت که درباره نگارش و جمع آوری قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) میان قرآن پژوهان و مفسران اختلاف وجود دارد. برخی برآنند که قرآن در زمان پیامبر (ص) نگارش شد و به صورت یک مجلد درآمد؛<sup>۹</sup> اما برخی دیگر بر این باورند که جمع آوری قرآن پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و به دست صحابه صورت پذیرفته است.<sup>۱۰</sup>

۳. ایشان در اهمیت وقف و ابتداء در قرآن، به روایتی از حضرت علی (ع) اشاره می کنند که آن حضرت حفظ و قوف را یکی از ارکان ترتیل دانسته است. وی متن روایت را چنین آورده است: «الترتیل تجوید الحروف وحفظ الوقوف» و «الترتیل معرفة الوقوف وتجوید الحروف».<sup>۱۱</sup> اشکال اول این است که

۵. همان، ص ۱.

۶. همان، ص ۴.

۷. همان، ص ۱.

۸. همان، ص ۱۲.

۹. سید ابوالقاسم خویی؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: اعلمی، ص ۲۳۹.

۱۰. محمد هادی معرفت؛ التمهید فی علوم القرآن؛ ج ۲، ص ۱، قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۹ ق، ص ۲۸۵ و سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۲، ص ۱۱۸.

۱۱. همان، ص ۱۸.

این روایت از کتاب درآمدی بر علم تجوید و النشر فی القراءات العشر از محمدبن محمدبن جزری نقل شده است که کتب روایی نیستند؛ علاوه بر آن، مؤلف دو کتاب مزبور، سنی است و نقل روایت از آنان پذیرفته نیست. اشکال دوم این است که اساساً در زمان حضرت علی (ع) کلمه تجوید به معنای اصطلاحی، رایج نبوده است. در کتاب بحار الانوار روایت مزبور به صورت: «إنه (الترتیل) حفظ الوقوف و بیان الحروف»،<sup>۱۲</sup> بدون کلمه «تجوید» آمده است.

۴. مؤلف محترم، «وقوف» را استخوان بندی تلاوت و نحوه رعایت آنها را نیازمند تعلیم و تعلم دانسته است که سخن درستی است؛ اما اینکه نمی توان بدون یادگیری وقوف متواتر و مستند به سیره نبوی به تلاوت قرآن مبادرت کرد، سخن درستی نیست؛ زیرا اولاً چگونه می توان تواتر وقف های پیامبر (ص) را اثبات کرد؟! ثانیاً به نظر می رسد وقف های آن حضرت برای ما الزام آور نباشد. وی می گوید: محمد بن طیفور سجاوندی در کتابش به نام کتاب الوقف والابتداء همه وقف های پیامبر (ص) را از ابتدا تا پایان قرآن مشخص کرده است؛ حال آنکه نگارنده با مراجعه به کتاب مزبور، آنچه دیده است اجتهادات سجاوندی است که بر اساس دیدگاه ادبی و تفسیری، محل های وقف را مشخص کرده است. همه کسانی که درباره وقف و ابتدا کتاب نوشته اند، بدین شیوه عمل کرده اند. همچنین مؤلف ارجمند راه ساده شناسایی مواضع وقف را مراجعه به قرآن های قدیم و اغلب با رسم الخط ایرانی یا پاکستانی دانسته و علامت های وقف به کار رفته در آنها را اصیل خوانده است. راه تشخیص مواضع صحیح وقف، آشنایی با ادبیات عرب و تفسیر است و کار کسانی چون سجاوندی، برای ما حجت آور نیست؛ زیرا علامت ها و محل های وقفی که سجاوندی و دیگران در قرآن به کار گرفته و تعیین نموده اند، براساس اجتهاد و دیدگاه ادبی و تفسیری بوده است؛ بنابراین علامت های وقف، «اصیل» نیستند و قابل تغییر هستند.

۵. مؤلف محترم در صفحه ۲۵۷، ذیل عنوان «جایگاه تجوید و صوت و لحن در امر آموزش قرآن»، چنین آورده است: «مسئله تجوید و صوت و لحن، به عنوان یک فن و مهارت، پیرایه ای است که بعدها بر قرائت ساده و بی آرایش قرآن کریم بسته شده و اگر برای گروهی جاذبه هایی داشته است، برای گروه های زیادی در گذر زمان، حالت مانع و رادعی سخت پیدا کرده است. این امور استعداد های خاصی می طلبند و هیچ گاه نمی توانند و نباید همگانی گردند. تحمیل قواعد آن به عموم مردم، به عنوان «لازمه قرائت قرآن» از عواملی است که موجب

دلزدگی از خود قرآن می شود». <sup>۱۳</sup> وی در ادامه می افزاید: «نقشی که موسیقی و تجوید حرفه ای در توسعه و ترویج قرآن می تواند داشته باشد، حداکثر همانند نقشی است که صوت یک خواننده خوش صدای حرفه ای، البته با برخی تفاوت ها، می تواند در رساندن پیام حافظ و سعیدی به مردم داشته باشد». <sup>۱۴</sup> اولاً، در روایتی که مؤلف ارجمند در صفحه هجده آورده است (الترتیل تجوید الحروف وحفظ الوقوف)، «الترتیل معرفة الوقوف و تجوید الحروف»، یکی از ارکان «ترتیل» «تجوید الحروف» بیان شده است؛ پس برای آنکه بتوانیم قرآن را به صورت «ترتیل» قرائت نماییم، باید با تجوید آشنا شویم. آشنایی با تجوید سبب می گردد حروف و کلمات رازیا و شمرده ادا نماییم؛ بنابراین باید آموزش تجوید در جامعه وجود داشته باشد تا هر کسی به اندازه استعدادش از آن در قرائت مطلوب تر نماز و قرآن استفاده کند. در مدارس و دانشگاه ها باید به آموزش «تجوید» اهمیت داده شود که به فضل الهی پس از انقلاب با توجهات بنیانگذار کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری توجه جدی بدان شده است؛ چرا که «تجوید» بسیار درس دلنشین و جذابی است که اگر به درستی و با جذابیت تدریس و آموزش داده شود، بر جذابیت و دلنشینی آن افزوده خواهد شد.

ثانیاً، مؤلف گرامی در توضیح روایت «کانت قرائته (ص) مفسرة حرفاً حرفاً» می نویسد: «قرائت مفسره، یعنی قرائتی که حروف در آن روشن و آشکار است و هیچ گونه پیچیدگی و درهم رفتن آوای حروف در آن دیده نمی شود...». <sup>۱۵</sup> با التفات به این سخن، اگر کسی بخواهد قرآن را به صورتی قرائت کند که حروف در آن روشن باشد و هیچ گونه پیچیدگی و درهم رفتن آوای حروف در آن رخ ندهد، باید چه راهی را در پیش بگیرد تا قرآن را به صورت پیش گفته تلاوت نماید؟ پاسخ آن است که راه رسیدن به چنین تلاوتی، آشنایی با تجوید است. شخصی که زبانش عربی نیست، چگونه می تواند قرآن را به صورت پیش گفته قرائت کند؟ در تجوید، ادای صحیح حروف، صفات و احکام حروف آموزش داده می شود قرآن به صورت شمرده شمرده، واضح و زیبا قرائت می شود.

ثالثاً، به نظر می رسد اغلب مردم استعداد فراگیری «تجوید» را دارند. باید توجه داشت فراگیری هر فن و مهارت و علمی،

۱۲. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۶۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۲۳.

۱۳. همان، ص ۲۵۷.

۱۴. همان.

۱۵. همو، ص ۱۷.

باید در زمان و با شیوه مناسب انجام گیرد. وانگهی کسی که «تجوید» را می آموزد، چون توانایی تلاوت قرآن با تجوید و به صورت زیبا و دلنشین را پیدا می کند، بر دلبستگی و انش نسبت به قرآن افزوده می گردد.

رابعاً، صوت زیبا، جذاب، دلنشین و قوی، استعدادی است که ممکن است فقط عده ای از آن نصیبی برده باشند؛ البته اکثر مردم دارای حداقل های صوت زیبا هستند، اما از آن استفاده نمی کنند. در تلاوت قرآن بر خورداری از حداقل های صوت زیبا، کافی است؛ چرا که «تجوید» نیز سبب زیباخوانی قرآن می گردد. دیگر آنکه فراگیری «لحن» نیز کار سختی نیست؛ زیرا چنان که درباره «تجوید» بیان شد، باید در زمان مناسب فرا گرفته شود؛ پس «تجوید»، صوت و لحن، نه تنها مخاطبان قرآن را نسبت به آن دلزده و دلسرد نخواهد ساخت؛ بلکه بر عکس بر دلدادگی، دلبستگی، محبت و انس آنان نسبت به آن خواهد افزود.

خامساً، تشویق و ترغیب نوجوانان و جوانان به فراگیری «تجوید و صوت و لحن»، هیچ گاه به این معنا نبوده و نیست و نخواهد بود که کسانی که توان قرائت قرآن در حد روخوانی و روانخوانی را دارند و با «تجوید و صوت و لحن» آشنا نیستند، قرائت آنان صحیح نمی باشد. خیر هرگز چنین نیست؛ بلکه دانستن «تجوید و صوت و لحن» سبب می گردد لذت و حظ و افزای از قرائت قرآن نصیب قاری قرآن و کسانی که به تلاوت او گوش فرامی دهند، گردد؛ چرا که تلاوت قرآن با «تجوید» سبب می گردد کلمات، بسیار واضح و آشکار به گوش برسد و بدین ترتیب شنونده می تواند به معنای آیات پی ببرد. صوت و لحن زیبا نیز موجب جذب شنونده و انتقال بهتر معانی می شود و این جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست؛ چرا که آیات پرسشی، خبری، اندازی، رحمت، بشارت، درباره جهنم و بهشت و... را می توان با استفاده از صوت و لحن، بهتر، زیباتر و هنری تر به شنونده منتقل کرد و معانی آیات را در دل و جان او نشانند. وقتی به تلاوت استاد «عبدالباسط» گوش فرامی دهیم، انسان غرق در معنویت و یاد خدا می گردد و تا پایان تلاوت و ساعاتی پس از آن نیز این حس ادامه دارد.

تردیدی نیست که قرآن در اوج فصاحت و بلاغت است و چیش حروف و کلمات آن به گونه ای انجام گرفته است که بسیار آهنگین و زیباست. با وجود چنین ویژگی ای، اگر به صورت عادی، بدون به کارگیری صوت و لحن قرائت گردد، این زیبایی نهفته در آیات چندان نمودی نخواهد داشت؛ اما اگر به صورت «دکلمه» خوانده شود، تا حدودی آهنگین بودن و معنا و محتوای آیات نشان داده می شود. اوج آهنگینی و انتقال معنا و محتوای

آیات، آنجاست که آیات قرآن به صورت «تجویدی و صوت و لحنی» قرائت می گردد.

۶. مؤلف گرامی بر آن است که اخلاص در قرائت قرآن، سبب زیبایی صدا می گردد؛ گرچه قاری قرآن دارای صوت زیبایی نباشد. او بر این باور است که صدای خوش قاری، زینتی برای قرآن محسوب نمی گردد، بلکه این قرآن است که سبب زینت صدای قاری می شود. وی همچنین بر این اعتقاد است که برخی، از روایات مربوط به قرائت قرآن با «صوت حسن» برداشت نادرستی کرده اند و آن اینکه: در محافل و مجالس و در رسانه ها فقط افراد خوش صدا باید قرآن تلاوت کنند و دیگران که با فن قرائت آشنایی ندارند، نباید پا در کفش آنان کنند و جای آنان را بگیرند. وی می گوید سیاق روایات مربوط به صوت حسن نشانگر آن است که اولاً همه مردم باید قرآن قرائت نمایند و ثانیاً همه آنان می توانند دارای صوت حسن باشند. ۱۶ او در این مورد به روایت «زینوا القرآن بأصواتکم» و اینکه «بلال» مؤذن پیامبر اسلام (ص) بود و حرف «ش» را «س» ادا می کرد، استشهد کرده است. ۱۷

اولاً چگونه ممکن است کسی که خوش صدا نیست، به صرف آنکه قرآن را با اخلاص قرائت نماید، صدایش زیبا شود؟! بله تلاوت قرآن از سر اخلاص می تواند در دل و جان شنونده بسیار تأثیرگذار باشد، اما اینکه سبب زیبایی صوت گردد، هر چند که صوت زیبایی نباشد، پذیرفتنی نیست؛ ثانیاً استفاده از قاری خوش صدا و مسلط به فن قرائت برای تلاوت در محافل و مجالس، برداشت نادرست از روایات مربوط به قرائت قرآن با «صوت حسن» نیست؛ زیرا استفاده از قاری خوش صدا و مسلط به فن قرائت برای تلاوت در محافل و مجالس، کاری است عرفی؛ یعنی عرف در انجام هر کاری به دنبال بهترین ها می رود؛ برای مثال کسی که مریض است برای مداوای خود به سراغ حاذق ترین و متخصص ترین پزشک می رود. در قرائت قرآن نیز چنین است. کسی که می خواهد به قرائت قرآن دیگری گوش فرادهد، سعی می کند قاری ای را برگزیند که صدایش باب طبعش باشد و انسان هیچ گاه به صدای نازیبا گوش فرا نمی دهد؛ چنان که سعدی در گلستان آورده است: «ناخوش آوازی با صدای بلند قرآن می خواند. صاحب دلی که قرائت را شنید، به او گفت: ماهانه چقدر برای قرائت می گیری؟ قاری گفت: هیچ. صاحب دلی گفت: پس چرا به خود زحمت می دهی؟ قاری گفت: از بهر خدا می خوانم. صاحب دلی گفت:

۱۶. همان، ص ۲۶۱-۲۶۳.

۱۷. همان، ص ۲۶۳.

از بهر خدا نخوان. گر تو قرآن بدین نَمَط خوانی / ببری رونقِ مسلمانی».<sup>۱۸</sup>

ثالثاً، معنای روایت «زینوا القرآن بأصواتکم» این است که «با صداهایتان قرآن را زینت دهید»؛ یعنی قرآن را زیبا بخوانید. ممکن است کسی خوش صدا باشد، اما به سبب ناآشنایی با «تجوید و صوت و لحن» نتواند قرآن را زیبا بخواند. این شخص برای استفاده بهینه از آیات قرآن، باید در آموزش «تجوید و صوت و لحن» تلاش و کوشش کند تا هم خود او و هم دیگران از تلاوتش بهره مند گردند.

روایتی دیگر وجود دارد بر اینکه برای هر چیزی زیوری است و زیور قرآن، صوت زیباست (لکل شیء حلیه و حلیه القرآن الصوت الحسن).<sup>۱۹</sup> در این روایت نیز بر به کارگیری صوت زیبا در تلاوت قرآن تأکید شده است؛ البته این دست از روایات هرگز در مقام بیان این مطلب نیستند که کسانی که دارای صدای زیبا نیستند نباید در محافل و مجالس قرآن تلاوت نمایند و کسی هم چنین برداشتی از این دست از روایات نکرده است. گفتیم علت استفاده از قاری خوش صدا و مسلط به فن قرائت برای تلاوت در محافل و مجالس، به سلیقه و پسند عرف برمی گردد و برداشت نادرست از روایات مربوط به قرائت قرآن، با «صوت حسن» نیست.

درباره استشهد به مؤذن پیامبر (ص) بر اینکه برای تلاوت در محافل و مجالس به صدای خوش نیازی نیست، باید گفت: از این روایت برمی آید که «بلال» حرف «ش» در «أشهد» را به صورت «س» (أسهد) ادا می کرد و بر اینکه او آواز خوشی نداشته است، دلالتی ندارد.

چنان که باید شد به سبب چینش حیرت انگیز حروف و کلمات و جملات در آیات، آیات قرآن دارای آهنگ زیبایی است که می توان و باید با صوت زیبا، زیبایی های آهنگین قرآن را نمایاند و از این راه، مخاطبان قرآن را مجذوب و شیفته قرآن کرد تا آنان اندک اندک دل داده و دل بسته قرآن گردند و از نور انسان ساز قرآن بهره مند شوند. مؤلف محترم نیز با اشاره به روایت: «فان الصوت الحسن یزید القرآن حسناً»<sup>۲۰</sup> به سخن پیش گفته اشاره نموده است.<sup>۲۱</sup>

#### نتایج و جمع بندی

نتایجی که از نقد و بررسی کتاب حمل قرآن به دست آمده، از این قرار است:

۱. با تأکید بر اینکه در آموزش قرآن باید از شیوه حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) سود برد، نباید

روش آموزش قرآن را منحصر در روش آن حضرات دانست، بلکه باید شیوه های جدید و متناسب با عصری که در آن به سر می بریم، ارائه گردد.

۲. «تجوید»، بسیار شیرین و جذاب و در امر آموزش قرآن بسیار راهگشاست؛ چرا که سبب انس هر چه بیشتر مخاطبان قرآن با آن خواهد شد؛ زیرا کسی که توانایی تلاوت زیبای قرآن را داشته باشد. انگیزه بیشتری برای قرائت آن خواهد داشت و این در صورتی است که در زمان مناسب و با روشی صحیح به فراگیران آموزش داده شود.

۳. آشنایی با مباحث «صوت و لحن قرآن» نیز در انس بیشتر و بهتر با قرآن بسیار تأثیر گذار است؛ چرا که اغلب مخاطبان قرآن حداقل های صوت خوش برای تلاوت قرآن را دارا هستند که اگر در وقت مناسب تربیت گردند و آموزش داده شوند، با به کارگیری آن در قرائت قرآن، تأثیر قرآن بر شنوندگان دوچندان می گردد؛ زیرا با استفاده از صوت و لحن قرآنی معنای آیات هنری تر و بهتر انتقال می یابد و قاری حظ و بهره فراوانی از معنای آیات خواهد برد.

۴. هیچ دلیلی بر الزامی بودن وقف بر محل هایی از آیات که پیامبر (ص) بر آنها وقف کرده - بر فرض متواتر بودن - وجود ندارد. آنچه در کتاب های وقف و ابتدا درباره محل های وقف در آیات آمده است، اجتهاد مؤلفان آنهاست؛ پس هر قاری ای با بهره مندی از علوم لغت، صرف، نحو، بلاغت و تفسیر می تواند محل های صحیح وقف و ابتدا را در آیات مشخص سازد.

۵. به نظر می رسد یکی از راه های مأنوس ساختن مخاطبان قرآن با قرآن، آموزش «روخوانی»، «تجوید»، «صوت و لحن قرآن» و «زبان عربی» به صوت گام به گام و با شیوه صحیح و به اندازه لازم از دوران ابتدایی تا دانشگاه است؛ چرا که وقتی مخاطب قرآن بتواند قرآن را با «تجوید» و «صوت و لحن قرآنی» قرائت کند و معنای آیات را دریابد، اندک اندک شیفته و جذب قرآن می گردد و قرآن با پوست و خونس آمیخته می شود.

۱۸. ر. ک به: گلستان سعدی؛ تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی؛ ج ۳، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳، ش، باب ۴، ص ۱۳۲ (با بازنویسی).

۱۹. کلینی؛ اصول کافی؛ ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: اسوه، ۱۳۷۰، ش، ص ۴۳۰-۴۳۲.

۲۰. متن کامل روایت بدین صورت است: «حسبوا القرآن بأصواتکم فان الصوت الحسن یزید القرآن حسناً و قرأ واللّه یزید فی الخلق ما یشاء». (صدوق؛ عیون أخبار الرضلاء)؛ ج ۲، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸، ص ۷۰.

۲۱. ابوالفضل خوش منش؛ حمل قرآن؛ ص ۲۶۴.